

نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا پایان ۱۳۹۴ با نقش میانجی اشتغال

حسین عظیمی^۱

چکیده:

یکی از وظایف ذاتی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تربیت نیروهای ماهر و نیمه ماهر است که بعضاً منجر به اشتغال نیز می‌شود. با توجه به این که در مطالعات پیشین تاثیر اشتغال در کاهش آسیب‌های اجتماعی مورد بحث قرار گرفته است، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی طی سال‌های ۱۳۹۰ تا پایان ۱۳۹۴ با نقش میانجی اشتغال به انجام رسید. روش تحقیق در این پژوهش کاربردی، توصیفی از نوع پیمایشی و پس‌رویدادی بود. جامعه آماری مشتمل بر کلیه آموزش‌دیدگان معرفی شده از سوی سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و اداره کل زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی استان زنجان به اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای بود. طبق فرمول کوکران، تعداد ۵۰۹ نفر بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل یک فرم مصاحبه نظام‌مند بود که پایایی و روایی آن به ترتیب با

^۱ استادیار گروه مدیریت و حسابداری دانشکده علوم انسانی دانشگاه زنجان، h.azimi@znu.ac.ir

آلفای کرونباخ بالای ۰,۷ و تحلیل عاملی مورد تایید قرار گرفت. طبق نتایج حاصله، درصد اشتغال به واسطه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ۳۷,۹ درصد بود. همچنین آزمون فرضیات نشان داد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماهر یا نیمه ماهر شدن کارآموزان موثر بود و اشتغال بعد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (به عنوان یک متغیر میانجی) بر کاهش ۵ مورد از مصادیق ۷ گانه آسیب‌های اجتماعی مشتمل بر: ۱- طلاق، ۲- سرقت و دزدی، ۳- پرخاشگری و خشونت، ۴- اعتیاد، ۵- بیکاری موثر است.

واژه‌های کلیدی: آموزش فنی و حرفه‌ای، آسیب اجتماعی، اشتغال

مقدمه

یکی از مهم‌ترین واقعیت‌هایی که جامعه مدرن امروز درگیر آن است، مسائل و آسیب‌های اجتماعی است. مسائل اجتماعی جامعه، پدیده‌هایی اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه، یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش‌ها و کمال مطلوب می‌شوند. این مسائل اجتماعی به عنوان پدیده‌های نامطلوب اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند، به طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آن‌ها پدید می‌آید و مقامات مسئول را به چاره‌جویی، رفع یا پیشگیری از آن‌ها وامی‌دارد (عبدالهی، ۱۳۸۴: ۴).

در یک تعریف، آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که با چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام جامعه همخوانی نداشته و با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد (کوهی، ۱۳۹۲: ۲۹). این گونه تعاریف، غالباً بزهکاران را مخاطب قرار داده و معتقدند، کجروان سعی دارند کجروی‌های خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند؛ زیرا

در غیر این صورت با پیگرد قانونی، تکفیر اخلاقی یا طرد اجتماعی مواجه می‌شوند. لذا وظیفه یک حکومت خوب را ارائه راه‌حل و فرمول صحیح و منطقی همراه با نوآوری و ابتکار برای حل آسیب‌های اجتماعی و دستیابی به شکوفایی می‌دانند. با این حال در جامعه‌ای که بخواهد هم پیشگیری کند و هم درمان، لازم است علاوه بر ارائه راه‌حل در خصوص افراد آسیب‌دیده، قبل از این که فردی دچار آسیب شود، وی را شناسایی کرده و اقدامات پیشگیرانه را به انجام رساند. در ایران بسیاری از افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی خود را به مراجع و سازمان‌های حمایتی معرفی نمی‌کنند. اما تعدادی که خود را معرفی کرده یا شناسایی شده‌اند، زمینه خوبی را برای هر گونه اقدام پیشگیرانه از طرق مختلف بویژه اشتغال به واسطه کسب آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای فراهم می‌سازند (موسوی و سرور، کبیری، اسماعیل زاده، ۱۳۹۳: ۵۸).

سیاست‌های اجتماعی هر جامعه‌ای روش‌های مختلفی را در برخورد با آسیب‌های اجتماعی پیشنهاد می‌کند. شیوه برخورد با این مسائل ارتباط مستقیمی با این سیاست‌ها دارد. در مورد راهکارهای اصلاح و بهبود آسیب‌های اجتماعی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. عده‌ای روش انکار و پرده‌پوشی را تجویز می‌کنند و عده‌ای دیگر به روش‌های پلیسی و سرکوب اعتقاد دارند. جوامعی هم وجود دارند که به این مسائل نگرشی علمی و منطقی دارند و سعی می‌کنند با قبول وجود این آسیب‌ها، علت آن‌ها را با استفاده از روش‌های علمی بشناسند و برای حذف یا کاهش آن‌ها از روش‌های منطقی استفاده کنند. به عنوان نمونه، در اغلب جوامع یکی از مصادیق حاصل از پیگرد قانونی و برخورد با کجروی‌ها، زندان است و افرادی که قوانین و هنجارهای جامعه را زیر پا می‌گذارند، طبق مجازات پیش‌بینی شده در این قوانین روانه زندان می‌گردند. اما در نگرش علمی و رویکرد فعال برای کاهش آسیب‌های اجتماعی موضوع به همان زندان ختم نمی‌شود. یعنی هدف، نگهداری بزهکاران در محیط بسته‌ای به نام زندان و سلب حقوق شهروندی و آزادی‌های رایج در جامعه نیست. بلکه هدف، مبتنی بر اصولی جهت اصلاح و تربیت زندانیان و تغییر در تفکر و نگرش آن‌ها نسبت به قوانین حاکم بر جامعه و کاهش آسیب‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر، هدف یک نظام زندانبانی، مبتنی بر رویکرد اصلاحی و تربیتی است تا از این طریق ضمن جلوگیری از تحمیل مشکلات روانی اجتماعی، زمینه بازگشت مجرمان به جامعه و کاهش آسیب‌های اجتماعی را فراهم آورد. برنامه‌هایی که می‌تواند در اصلاح و تربیت زندانیان و نوتوانی آن‌ها دخیل باشد، افزایش و ارتقاء سطح دانش، مهارت‌های فردی و اجتماعی، حرفه‌آموزی، تخصص، آگاهی و بینش نسبت به شخصیت و نفس خود، و برقراری رابطه سالم با خود و محیط پیرامون، (از قبیل خانواده و جامعه) می‌باشد. بزهکاری که دچار تحول شخصیت شده و اندیشه و تفکر او معنوی و سازنده گردد، بدون شک به سوی زندگی اجتماعی گرایش می‌یابد (شمس، ۱۳۸۲:

۱۳۱). در ایران نیز آموزش‌های دانشی و مهارتی به زندانیان جهت جامعه‌پذیر شدن آن‌ها و کاهش آسیب‌های اجتماعی به عنوان یکی از نسخه‌های کارآمد معرفی شده است (حامدی، ۱۳۹۲).

البته رسیدگی به موضوع آسیب‌های اجتماعی، صرفاً منتهی به زندان نبوده و بسیاری از آسیب‌دیدگان و افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی از طریق بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) نیز تحت پوشش قرار می‌گیرند. این دو ارگان بیش از ۵۰ درصد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ۱ در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی را از طریق توانمندسازی افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی (از قبیل زنان خود سرپرست، معلولین یا افراد کم توان ذهنی یا خانواده آن‌ها، معلولین حسی، جسمی و حرکتی یا خانواده آن‌ها، ساکنین محلات پر خطر و محروم) و آسیب‌دیدگان اجتماعی که در معرض آسیب‌های بعدی قرار دارند (مثل معتادان بهبود یافته یا خانواده آن‌ها، زنان بدسرپرست، زنان بی‌سرپرست) به خود اختصاص داده‌اند.

از سوی دیگر، باید عنوان نمود که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نباید و نه می‌تواند متولی اشتغال در سطوح کلان باشد. ولی در راستای بسترسازی شغلی در مشاغل خانگی، بنگاه‌های کوچک، متوسط و زودبازده می‌تواند ظرفیت‌های زیادی را در راستای توسعه اشتغال، تولید و نهایتاً کاهش آسیب‌های اجتماعی ایجاد نماید. در این راستا اضلاعی که می‌تواند آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی را در کاهش آسیب‌های اجتماعی و تعدیل فقر، یاری نماید، همگرایی و تعاملات حداکثری بین نهادهای ذیربط مانند وزارت ورزش و جوانان، وزارت کشور، وزارت آموزش و پرورش و... می‌باشد. اما اینکه آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای تا چه حد اثربخش بوده تا از بروز آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کند، دغدغه‌ای است که برای اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای و دست‌اندرکاران از اهمیت بسزایی برخوردار است. لذا در پژوهش حاضر نیز با تمرکز بر آموزش‌های دانشی و مهارتی فنی و حرفه‌ای و در نظر گرفتن متغیر میانجی اشتغال تلاش می‌شود تا میزان توفیق اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان زنجان در کاهش آسیب‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و پاسخ مناسبی برای این سوال‌ها ارائه شود که عوامل موثر در اشتغال کارآموزان کدامند؟ آموزش‌های فنی و حرفه‌ای چه نقشی در اشتغال و به تبع آن کاهش مصادیق آسیب‌های اجتماعی دارند؟ با توجه به همکاری تعداد زیادی از کارشناسان و مسئولان در انجام مصاحبه‌ها و مشاهدات، در پژوهش حاضر پاسخ این سوال‌ها و دغدغه‌ها داده شده است.

مروری بر ادبیات نظری پژوهش

آسیب اجتماعی

آسیب به مفهوم گذر از خط اعتدال است، به طوری که نقاط قطبی این خط یا محور، ناظر به آسیب‌ها و نقطه میانی ناظر به حالت مطلوب یا وضعیت سلامت است. به عبارت دیگر، در هر محور، دو نقطه لغزش وجود دارد و یک مسیر که در میانه قرار می‌گیرد (شعبانی سارویی، ۱۳۸۷: ۶۱). آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی جامعه محل فعالیت کنشگر قرار نمی‌گیرد و لذا با منع قانونی و قبح اخلاقی و اجتماعی مواجه می‌گردد (خنیفر و حیدری، ۱۳۹۰: ۳۳). اغلب آسیب‌های اجتماعی نظیر اعتیاد، پرخاشگری، روسپیگری و... ریشه‌های تاریخی دارند، ولی شدت و ضعف هر یک از آن‌ها بر حسب زمان و شرایط خاص هر جامعه متفاوت بوده است. در جامعه امروزی ایران نیز اگر چه آسیب‌های اجتماعی عمده‌ای پدید آمده است. اما اغلب آن‌ها امری تصادفی نبوده و از یک امر قانونمند تبعیت کرده است و این قانونمندی ریشه در تاریخ، نظام اجتماعی جامعه، نظام شخصیتی افراد و... دارد. بنابراین، آسیب‌های اجتماعی پدیده‌هایی واقعی، متغیر، قانونمند و قابل کنترل و پیشگیری‌اند. کنترل‌پذیری آسیب‌های اجتماعی شناخت علمی آن‌ها را در هر جامعه‌ای برای پاسخ به پرسش‌های نظری و عملی و کاربردی از ایده‌ها و یافته‌های علمی تولید شده در برنامه‌ریزی‌های کوتاه و بلندمدت برای مقابله صحیح با آسیب‌های اجتماعی، درمان یا پیشگیری از گسترش و پیدایش آن‌ها را ضروری و پراهمیت می‌سازد (رحمان‌زاده، ۱۳۸۹).

آسیب‌های اجتماعی، با وجود برخورداری از تنوع نسبت، پدیده‌هایی واقعی و قانونمند هستند. جهل نسبت به آن‌ها نافی آن‌ها نیست. قانونمند بودن آسیب‌ها کنترل‌پذیری آن‌ها را ممکن می‌سازد. بنابراین آسیب‌های اجتماعی قابل درمان و پیشگیری‌اند. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای موکول به شناخت علمی ویژگی‌ها و قانونمندی‌های حاکم بر تحول آسیب‌ها در آن جامعه و به کارگیری یافته‌های علمی در فرایند برنامه‌ریزی‌های اجتماعی است. این امر یکی از چالش‌های اساسی است که اغلب دولت‌ها با آن رو به رو هستند. میزان موفقیت هر کشور در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی معرف کارایی نظام اجتماعی غالب در آن جامعه است. خوشبختانه، در ایران امروز، اکثریت مردم از آسیب‌های اجتماعی عمده در کشور نظیر اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، پرخاشگری، خودکشی، بی‌بند و باری در روابط جنسی، دزدی و... آگاه هستند و از گسترش روزافزون آن‌ها

بیمناک‌اند و این امر وظایف دولت را در مقابله صحیح با آسیب‌های اجتماعی سنگین‌تر می‌سازد (شمس‌ناتری و باستانی، ۱۳۸۷).

برخی به غلط آسیب‌های اجتماعی را جزو پیامدهای محتوم و غیرقابل اجتناب مدرنیته یا توسعه می‌دانند. درست است که هر تغییری عوارضی دارد و برای توسعه هزینه پرداخت می‌شود، ولی این بدان معنی نیست که هر نوع تغییری را توسعه بدانیم و برای آن هر نوع هزینه‌ای بپردازیم. توسعه تغییری است خردمندانه و برنامه‌ریزی شده که با استفاده بهینه از منابع موجود جهت بهبود زندگی مردم و تحقق وضع مطلوب توسط خود مردم هدایت می‌شود. آسیب‌های اجتماعی که به معنی کژکارکردهای واحدهای جمعی یا کژکرداری‌های افراد است، نه تنها شاخص توسعه نیستند، بلکه نشانه‌های بحران‌اند. بنابراین، هرچه میزان آسیب‌های اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، شدت بحران هم بیشتر است. بنابراین، آسیب‌های اجتماعی نوعی آنتروپی یا انرژی هدر رفته‌ای است که نظام اجتماعی بحران‌زا و ناکارآمد بر مردم جامعه تحمیل می‌کند (بلوردی، بلوردی و غیوری، ۱۳۹۲).

آسیب‌های اجتماعی به عنوان اعمالی که هنجارهای جامعه را مورد تعرض قرار می‌دهد و نظام اجتماعی را تهدید می‌کنند، در هر جامعه‌ای حائز اهمیت جدی هستند. رشد و تنوع آسیب‌ها در شهرهای بزرگ به واسطه شرایط خاص از قبیل: افزایش روز افزون جمعیت، مهاجرت‌های بی‌رویه، گسترش حاشیه‌نشینی، فقدان مهارت‌های زندگی، گسست نظام‌های سنتی و پیوندهای عاطفی و خانوادگی، آسیب‌پذیری شهروندان به دلیل مشکلات اجتماعی و اقتصادی و ... هشداردهنده است و لازم است در جهت مهار و کاهش آن اقدام اساسی صورت گیرد.

آموزش فنی و حرفه‌ای

موضوع اشتغال و بیکاری نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جهان است که در کشورهای در حال توسعه با توجه به عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی نقش و سهم بیشتری بر توسعه دارد. بیکاری یا عدم اشتغال نیروی انسانی، آثاری زاینبار در مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و امنیتی به همراه دارد (امیری، ۱۳۸۱). بنابراین می‌توان گفت که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با افزایش مهارت‌ها و هدایت افراد به سمت اشتغال، موجب کاهش مشکلات و معضلات یا آسیب‌های اجتماعی می‌شود.

آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش‌هایی است که به منظور ایجاد مهارت و توانایی برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار به افراد ارائه می‌شود یا کارایی فرد را افزایش داده و موجب کاهش هزینه و افزایش

کیفیت زندگی می‌شود این آموزش‌ها به صورت رسمی ۱ و غیررسمی می‌باشد. بنابر تعریف یونسکو، آموزش فنی و حرفه‌ای علاوه بر دانش عمومی تمام اشکال و سطوح فرایند آموزشی، شامل مطالعه فناوری و علوم مربوط به آن، کسب مهارت‌های عملی، توانایی و نگرش را دربرمی‌گیرد و مسائل مرتبط با اشتغال را در بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی زندگی برعهده دارد (سو تاپین، ۲۰۰۲).

توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای اقتصاد و فرهنگ و به ویژه شتاب‌دهی به فرایند تولید امری حیاتی است؛ زیرا سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی و افزایش ابزار و تجهیزات و به طور کلی سرمایه فیزیکی بدون سرمایه انسانی بلااستفاده مانده یا به نحو اقتصادی و کارآمد مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. بنابراین از ضرورت‌ها و الزامات رشد و توسعه اقتصادی، نظام آموزش برای ایجاد مهارت‌های لازم سرمایه انسانی است و در این میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تلفیقی است از علم، فن و هنر و نقش بسیار مهمی در تامین نیروی انسانی کارآمد ایفا نموده و مضمونی توسعه‌ای دارد. هدف از این آموزش‌ها، افزایش توانایی‌های دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوب‌تر کار در محدوده وظایف شغلی است (فردوسی، ۱۳۹۳).

یکی از مهمترین مزایای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نسبت به آموزش‌های عالی و دانشگاهی، پروژه محور بودن این آموزش‌ها می‌باشد، به اینصورت که ۷۵٪ از آموزش در بخش عملی و کارگاهی و تنها ۲۵٪ آن بصورت نظری و تئوری می‌باشد. لذا مراتع و مزرعه‌های کشاورزی، مرغداری‌ها، کارگاه‌های کوچک تولیدی خدماتی و صنعتی و حتی یک نانوا می‌تواند کارگاهی برای آموزش باشد و در جوار کار کسب مهارت بسیار مفید، ارزشمند و کاربردی خواهد بود (بیاتی و چراغی، ۱۳۹۳).

نقش آموزش در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی

نقش آموزش‌ها در تغییرات اجتماعی، فرهنگی به دلایل زیر مهم ارزیابی می‌گردد: کاهش سطح بیکاری، میزان اعتبار بین‌المللی مدارک فنی و حرفه‌ای، کاهش معضلات اجتماعی، کمک در جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه جوانان به شهرهای بزرگ، کاهش تبعات منفی بیکاری، توانمندسازی افراد برای زندگی بهتر، افزایش سلامت و بهداشت روانی، افزایش امید به زندگی، توسعه عرصه زندگی، کار و حرفه، بهبود روابط اجتماعی و مناسبات انسانی، انتقال ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، جامعه پذیر نمودن افراد و... . بهترین راه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی علاوه بر فراهم کردن مطلوب و بهنجار عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و...، استفاده از آموزش‌های هدفمند و مداخلات حرفه‌ای و

روانشناختی توسط مشاوران، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی است. مداخلات روانشناختی در محله‌ها و روستاها که به نوعی در خطر آسیب‌های اجتماعی یا درگیر آن هستند باید مورد توجه جدی قرارگیرد. یکی از راه‌های مفید، کم‌هزینه و زودبازده در زمینه کاهش آسیب‌های اجتماعی، آموزش مهارت‌های زندگی از طریق سازمان بهزیستی (توسط دفاتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی)، کمیته امداد امام خمینی (ره)، اداره کل زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی و پژوهشگران (توسط روانشناسان، مددکاران و...) می‌باشد (دهقانی و گرزین، ۱۳۹۴).

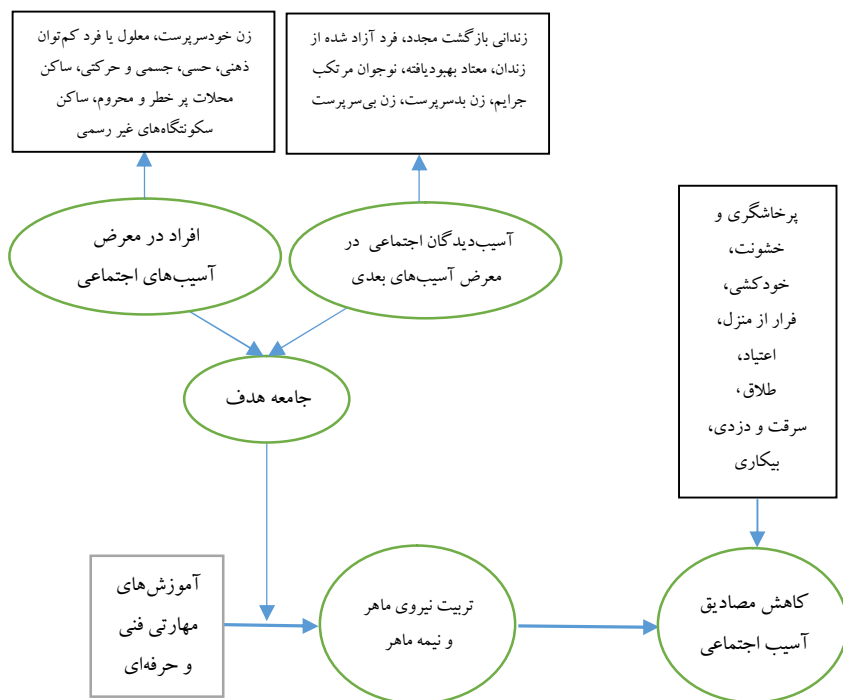
سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، به عنوان یکی از متولیان اصلی آموزش‌های مهارتی در کشور هم راستا با برنامه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، به منظور تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی، اقدام به تدوین راهبردها، سیاستها و برنامه‌های عملیاتی اقتصاد مقاومتی نموده است تا بتواند همراستا با سایر دستگاههای اجرایی کشور سهم خود را در تحقق این امر ایفا نماید (بخشنامه راهبردهای کارآفرینی وزارت کار، ۲۵).

از آنجایی که موضوع بیکاری یکی از مهمترین مسائل و مشکلات جهان است و در کشورهای در حال توسعه با توجه به عدم توازن ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سهم بیشتری را بر توسعه دارد و با توجه به اینکه یکی از دلایل بیکاری در کشور فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی جویندگان کار می‌باشد، انتظار می‌رود سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با ارائه آموزش‌های مهارتی بتواند نقش بسزایی در کاهش میزان بیکاری و نیز کاهش آسیب‌های اجتماعی منشعب از بیکاری ایفا کند.

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مطالعه ادبیات و مبانی نظری پژوهش و پیشینه مطالعات انجام یافته، بنظر می‌رسد در بررسی میزان تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش آسیب‌های اجتماعی، عوامل مداخله‌گر ذهنی و پیش‌زمینه‌ای به همراه عوامل تعدیل‌کننده (تشدید کننده یا کاهش دهنده) از قبیل مشخصات فردی و جمعیت‌شناختی و سایر زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز تاثیرگذار هستند. لذا در این پژوهش تلاش می‌شود با تاسی از سایر پژوهش‌ها، انواع آسیب‌های اجتماعی مدنظر قرارگیرد و تاثیر نوع آموزش‌های مهارتی سازمان فنی و حرفه‌ای بر کاهش انواع آسیب‌های اجتماعی از قبیل: سرقت و دزدی، بیکاری، پرخاشگری، خشونت، خودکشی، فرار از منزل، اعتیاد و طلاق مورد بررسی قرارگیرد. بنابراین با اشباع نظری در خصوص متغیرهای موثر در این پژوهش، مدل مفهومی پژوهش در نمودار ذیل ترسیم شده است.

فرضیه اصلی ۱: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماهر یا نیمه ماهر شدن کارآموزان موثر بوده است.
 فرضیه اصلی ۲: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی و مصادیق آن موثر است.
 فرضیه اصلی ۳: اشتغال بعد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی و مصادیق آن موثر بوده است.



نمودار ۱: مدل مفهومی محقق ساخته پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در پژوهش حاضر بر مبنای جهت‌گیری پژوهش، از نوع کاربردی ۱ و بر مبنای استراتژی پژوهش، منطبق بر روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی ۲ می‌باشد. ضمن این که به دلیل انجام مصاحبه با گروه‌های متعددی از جامعه هدف برای تعیین اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و موشکافی تاثیر آموزش‌های گذشته در اشتغال و کاهش آسیب‌های اجتماعی، روش تحقیق از نوع پس رویدادی نیز می‌باشد.

جامعه آماری در پژوهش حاضر بنا بر آموزش‌هایی که در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا پایان ۱۳۹۴ از سوی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان زنجان ارائه شده است، شامل دو گروه هستند: ۱- افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی و ۲- آسیب‌دیدگان اجتماعی که در معرض آسیب‌های بعدی قرار دارند. ۱- افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی (از قبیل زنان خود سرپرست، معلولین یا افراد کم توان ذهنی یا خانواده آن‌ها، معلولین حسی، جسمی و حرکتی یا خانواده آن‌ها، ساکنین محلات پر خطر و محروم)

۲- آسیب‌دیدگان اجتماعی که در معرض آسیب‌های بعدی قرار دارند (مثل زندانیان بازگشت مجدد، افراد آزاد شده از زندان، معتادان بهبود یافته یا خانواده آن‌ها، زنان بدسرپرست، زنان بی‌سرپرست)

با توجه به فرمول کوکران، تعداد حجم نمونه برابر با ۵۰۹ نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی بوده و متناسب با تنوع جامعه هدف، افراد قابل دعوت به مصاحبه برای هر سال به صورت تناسب طبقه‌ای تصادفی مشخص شد و با هماهنگی و اطلاع قبلی افراد مزبور مورد مصاحبه قرار گرفتند.

جدول شماره ۱: تعداد کل نمونه آماری پژوهش به تفکیک نوع جامعه هدف

فرد در معرض آسیب‌های اجتماعی		نمونه آماری	فرد آسیب‌دیده اجتماعی و در معرض آسیب‌های بعدی		نمونه آماری
درصد	تعداد فراوانی		درصد	تعداد فراوانی	
6.9	35	زن خود سرپرست	11.2	57	زندانی بازگشت مجدد
8.4	43	معلول یا فرد کم توان ذهنی یا خانواده وی	3.5	18	فرد آزاد شده از زندان
7.5	38	معلول حسی، جسمی و حرکتی یا خانواده وی	9.8	50	معتاد بهبود یافته یا خانواده وی
13.2	۶۷	ساکن محلات پر خطر و محروم	11.4	58	زن بد سرپرست
36.0	۱۸۳	جمع	28.1	143	زن بی‌سرپرست
۱۰۰,۰	۵۰۹	جمع کل	64.0	326	جمع

ابزار مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات شامل یک فرم مصاحبه نظام مند حاوی سوالات بسته و باز بود. پرسشنامه محقق ساخته، مشتمل بر مجموعه متغیرهای موجود در مدل مفهومی پژوهش بوده و پیش از اقدام، اعتبارسنجی شد. در سنجش پایایی ۱ از شاخص آلفای کرونباخ استفاده شد. در این راستا پس از توزیع پرسشنامه در بین نمونه آماری، آلفای کرونباخ برای هر دو پرسشنامه تحت عنوان ۱- میزان تاثیر عامل در اشتغال بعد از آموزش و ۲- میزان تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش مصادیق آسیب‌های اجتماعی محاسبه گردید که نتیجه بدست آمده به ترتیب برابر با ۰/۷۹۲ و ۰/۹۹۰ بیانگر تایید پایایی ابزار بود.

در این پژوهش برای تایید روایی ۲ پرسشنامه، در مطالعه مقدماتی از آزمون تحلیل عاملی ۳ نیز جهت تایید روایی ابزار استفاده شد. با توجه به نتایج بدست آمده از طریق این آزمون، ابتدا از طریق آزمون کیزرمایر اولکین (KMO) مشخص شد که تعداد نمونه‌ها برای انجام آزمون تحلیل عاملی کفایت دارد و سپس در دو بار آزمون از هر دو متغیر پژوهش، مشخص گردید که در متغیر «میزان تاثیر

- 1 Reliability
- 2 Validity
- 3 Factor Analysis

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش مصادیق آسیب‌های اجتماعی» فقط همان یک متغیر توسط ۷ آیتم سنجیده می‌شود. یعنی همه ۷ آیتم در زیرمجموعه مصادیق آسیب‌های اجتماعی قرار گرفتند. ضمن این که در متغیر «میزان تاثیر عامل در اشتغال بعد از آموزش» طبق پیش‌بینی‌ها دو متغیر سنجیده می‌شود که یکی مربوط به عوامل تاثیرگذار توسط مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای و دیگری مربوط به عوامل حمایتی تاثیرگذار در اشتغال از قبیل وام و بیمه و غیره بود که کاملاً با مطلوب‌های محقق همخوانی داشت. بنابراین می‌توان اذعان داشت که پرسشنامه روایی لازم را دارد.

در نهایت با توجه به پیمایشی بودن پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و استنباطی استفاده شد. بدین صورت که برای پاسخ به سوالات پژوهش از آزمون‌های توصیفی مشتمل بر شاخص‌های مرکزی و پراکندگی از قبیل (میانگین و انحراف معیار) و برای پاسخ به فرضیات ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون (KS) (کولموگروف - اسمیرنوف) مورد سنجش قرار گرفت و به دلیل غیرنرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون‌های ناپارامتریک (متناسب با مقیاس داده‌ها و نوع آزمون) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

از مجموع کل ۵۰۹ نفری که مورد مصاحبه قرار گرفتند، تعداد ۳۷۷ نفر (۷۴٫۱ درصد) قبل از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بیکار بوده و ۱۳۲ نفر (۲۵٫۹ درصد) شاغل بوده‌اند. لیکن بعد از طی دوره‌های آموزشی، تعداد شاغلین دو برابر شده و به ۲۶۲ نفر (۵۱٫۵ درصد) رسیده است. اما تعداد ۱۹۳ نفر بخاطر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شاغل شده بودند. به عبارت دیگر، از بین ۲۶۲ نفری (۵۱٫۵ درصد) که بعد از طی دوره‌های آموزشی شاغل بوده‌اند، ۱۹۳ نفر (۳۷٫۹ درصد) اشتغال خود را به واسطه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌دانند و ۶۹ نفر جزء کسانی بوده‌اند که در بین ۱۳۲ نفر شاغل قبلی قرار داشته‌اند. در خصوص عوامل مرتبط با فنی و حرفه‌ای که در اشتغال افراد مؤثر بوده است، ترتیب تأثیر عوامل به شرح ذیل بود:

- ۱) آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای (۱۷۱ نفر یعنی ۸۸٫۶ درصد)
- ۲) آموزش‌های دانشی فنی و حرفه‌ای (۱۵۹ نفر یعنی ۸۲٫۴ درصد)
- ۳) اخلاق و شخصیت مربی به عنوان یک راهنما و مشاور دلسوز (۱۴۱ نفر یعنی ۷۳٫۱ درصد)

۴) مشاوره و هدایت مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای در انتخاب نوع دوره (۱۲۳ نفر یعنی ۶۳,۷ درصد)

عوامل چهارگانه فوق به نوعی مستقیماً به فنی و حرفه‌ای مربوط می‌شود. اما در خصوص سایر عواملی که در اشتغال افراد موثر بوده است، مصاحبه‌شوندگان ترتیب تأثیر آن‌ها را چنین ابراز کرده‌اند:

- ۵) مهارت‌ها و توانمندی‌های قبلی فرد (۱۵۷ نفر یعنی ۸۱,۳ درصد)
- ۶) ایجاد نگرش مثبت به زندگی با آموزش مهارت‌های زندگی (۱۴۳ نفر یعنی ۷۴,۱ درصد)
- ۷) اعطای تسهیلات و دریافت وام‌های خوداشتغالی (۱۲۳ نفر یعنی ۶۳,۷ درصد)
- ۸) حمایت بیمه‌ای در زمینه بیمه خویش فرمایی/ کارفرمایی (۹۷ نفر یعنی ۵۰,۳ درصد)
- ۹) حمایت انجام شده برای اخذ جواز کسب (۹۱ نفر یعنی ۴۷,۲ درصد)
- ۱۰) معرفی (به شرکت، ارگان یا افراد خاص) برای اشتغال (۸۵ نفر یعنی ۴۴ درصد)

در بین مصادیق ۷ گانه آسیب‌های اجتماعی مورد بحث در این مطالعه، به ترتیب از بیشترین به کمترین مصادیق مبتلا به مصاحبه‌شوندگان، موارد زیر مشاهده شد:

- ۱) بیکاری (۶۵,۴ درصد)
 - ۲) پرخاشگری و خشونت (۳۱,۶ درصد)
 - ۳) اعتیاد (۲۹,۹ درصد)
 - ۴) طلاق (۲۴,۲ درصد)
 - ۵) سرقت و دزدی (۱۰,۱۸ درصد)
 - ۶) خودکشی (۱۷,۵ درصد)
 - ۷) فرار از منزل (۱۷,۱ درصد)
- این نتایج نشان می‌دهد که بیکاری با فاصله‌ای فاحش از بقیه مصادیق، بیشترین میزان شیوع را در بین مصادیق آسیب‌های اجتماعی به خود اختصاص داده و سرقت و خودکشی و فرار از منزل، کمترین شیوع را داشته‌اند.

هدف دیگر این پژوهش این بوده است که مشخص شود شدت تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش هر کدام از مصادیق آسیب‌های اجتماعی چقدر بوده است؟ در این راستا ترتیب میانگین شدت تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش مصادیق آسیب‌های اجتماعی به شرح ذیل بوده است:

- ۱) اعتیاد (۰,۵,۳ از ۵)
- ۲) پرخاشگری و خشونت (۰,۱,۳ از ۵)

- ۳) طلاق (۲,۹۵ از ۵)
- ۴) فرار از منزل (۲,۸۳ از ۵)
- ۵) بیکاری (۶۷,۲ از ۵)
- ۶) خودکشی (۲,۶۴ از ۵)
- ۷) سرقت و دزدی (۲,۶۱ از ۵)

یافته‌های استنباطی

سه فرضیه اصلی در این پژوهش ارائه شده بود. برای آزمون فرضیات از آنجا که توزیع داده‌ها طبق آزمون کولموگروف - اسمیرنوف غیرنرمال بود، لذا از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شد. فرضیه اصلی ۱: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماهر یا نیمه ماهر شدن کارآموزان موثر بوده است. برای آزمون این فرضیه از آزمون کای اسکوئر (خی دو) تک متغیره استفاده شد. این آزمون برای فرضیه‌هایی به کار می‌رود که در آن محقق از یک متغیر ترتیبی برای تنظیم فرضیه استفاده کرده است. هدف اصلی این آزمون، مقایسه فراوانی‌های مشاهده شده با فراوانی‌های مورد انتظار است. به عبارتی، آزمون کای اسکوئر از طریق مقایسه این دو فراوانی با یکدیگر، به آزمون فرضیه تحقیق می‌پردازد. از آنجا که اجرای این آزمون نیازی به نرمال بودن توزیع داده‌ها ندارد، لذا در آزمون فرضیات از این آزمون استفاده شد.

فرض صفر و فرض مقابل آن در آزمون خی دو چنین است:

H0: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماهر یا نیمه ماهر شدن کارآموزان موثر نبوده است.

H1: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماهر یا نیمه ماهر شدن کارآموزان موثر بوده است.

با توجه به مقدار کای اسکوئر ($\text{Chi-Square} = 201,717$) بین فراوانی‌های مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار بر اساس سطح معنی‌داری کوچک‌تر از $0,01$ ، تفاوت از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. اما این تفاوت نشان از تایید یا رد فرض‌های H0 و H1 نمی‌باشد.

از آنجا که فرضیه تحقیق بر پایه موثر بودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماهر یا نیمه ماهر شدن کارآموزان بود، پس در این جا بیشترین فراوانی باید در زیاد و خیلی زیاد قرار بگیرد. به عبارتی، میزان باقیمانده طبقات خیلی زیاد و زیاد باید نسبت به طبقات کم و خیلی کم، مثبت باشد. بر اساس جدول فراوانی زیر، در این فرضیه طبقه خیلی زیاد ۴۳ و طبقه زیاد برابر با ۲۱۶ است و جمع آن‌ها ۲۵۹ می‌باشد. اما طبقه خیلی کم ۴۲ و طبقه کم ۸۹ است و جمع آن‌ها ۱۳۱ می‌باشد. از آنجا که تفاضل جمع طبقه زیاد و خیلی زیاد از جمع طبقه کم و خیلی کم، مثبت است، لذا فرضیه تحقیق (H1) تایید

می‌شود و فرض مقابل آن (H_0) مبنی بر موثر نبودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماهر یا نیمه ماهر شدن کارآموزان رد می‌شود.

به عبارت دیگر، این فرضیه نشان داد که اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای از لحاظ رسالت واقعی خود که تربیت نیروهای ماهر و نیمه ماهر می‌باشد، موفق عمل کرده است.

جدول ۲: نتایج آزمون کای اسکوئر در بررسی فرضیه مبتنی بر تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تربیت نیروهای ماهر و نیمه ماهر

میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماهر یا نیمه ماهر شدن فرد در آن زمینه بالا بوده است	
201.717 ^a	Chi-square
4	Df
.000	Asymp. Sig.

a. ۰ cells (۰%) have expected frequencies less than ۵. The minimum expected cell frequency is ۱۰۱٫۸

جدول ۳: میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماهر یا نیمه ماهر شدن فرد

Residual	Expected N	Observed N	
-59.8	101.8	42	اصلاً تأثیری نداشته
-12.8	101.8	89	کم
17.2	101.8	119	متوسط
114.2	101.8	216	زیاد
-58.8	101.8	43	بسیار زیاد
		509	Total

فرضیه اصلی ۲: آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی و مصادیق آن موثر

است.

در این راستا همانند آنچه در فرضیه اول آمد، برای تک تک مصادیق ۷ گانه آسیب‌های اجتماعی آزمون خی دو گرفته شد و نتایج طبق جداول زیر نشان داد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش اعتیاد، پرخاشگری و خشونت و طلاق موثر بوده است.

جدول ۴: نتایج آزمون کای - اسکوئر در بررسی فرضیه مبتنی بر تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش مصادیق آسیب‌های اجتماعی

تفاوت و پدیده	تکراری	طلاق	پر خاشگری و خشونت	اعتیاد	فرار از منزل	خودکشی	
10.39g	93.38f	35.82e	63.31d	16.55c	17.88b	20.38a	Chi-square
4	4	4	4	4	4	4	Df
.034	.000	.000	.000	.002	.001	.000	Asymp. Sig.
رد	رد	تایید	تایید	تایید	رد	رد	نتایج آزمون فرضیه

a. 0 cells (0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 17,8.

b. 0 cells (0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 17,4.

c. 0 cells (0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 30,4.

d. 0 cells (0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 32,2.

e. 0 cells (0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 24,6.

f. 0 cells (0%) have expected frequencies less than 5. The minimum expected cell frequency is 18,4.

جدول ۵: درصد تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش مصادیق آسیب‌های اجتماعی (از ۵۰۹ نفر)

میزان تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش مصادیق آسیب‌های اجتماعی	مصادیق آسیب‌های اجتماعی					رتبه
	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
	۳,۴	۳۱,۵	۱۶,۹	۲۲,۵	۲۵,۸	۱ خودکشی
	۴,۶	۳۱	۲۳	۲۵,۳	۱۶,۱	۲ فرار از منزل
	۱۲,۵	۳۱,۶	۱۹,۱	۲۱,۷	۱۵,۱	۳ اعتیاد
	۳,۱	۳۹,۸	۲۳	۲۳,۶	۱۰,۶	۴ پرخاشگری و خشونت
	۸,۱	۳۸,۲	۱۸,۷	۱۰,۶	۲۴,۴	۵ طلاق
	۷,۸	۳۰,۶	۱۶,۵	۱۰,۸	۳۴,۲	۶ بیکاری
	۷,۶	۲۲,۸	۱۸,۵	۲۵	۲۶,۱	۷ سرقت و دزدی

فرضیه اصلی ۳: اشتغال بعد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی و مصادیق آن موثر بوده است.

با توجه به این که اشتغال بعد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، یک متغیر مستقل با مقیاس اسمی بوده و به دو زیرمجموعه بیکار و شاغل تقسیم می‌شود، و میزان کاهش هر کدام از مصادیق آسیب‌های اجتماعی مقیاس رتبه‌ای داشته و توزیع داده‌ها نرمال است، لذا برای تعیین میزان تأثیر اشتغال بعد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش آسیب‌های اجتماعی و هر کدام از مصادیق آن از رگرسیون ترتیبی استفاده شد. در این راستا برای آزمون فرضیه اصلی شماره ۳ و فرضیات فرعی آن، تک تک مصادیق آسیب‌های اجتماعی را وارد مدل کرده و نقش اشتغال بعد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در میزان کاهش آن بررسی شد و طبق جدول زیر نتایج نشان داد که تأثیر متغیر اشتغال بعد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بر میزان کاهش طلاق و سرقت و دزدی و پرخاشگری و خشونت و اعتیاد و بیکاری، در سطح خطای کوچک تر از ۰,۰۵، معنی‌دار است. یعنی با افزایش مقادیر اشتغال بعد از

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، احتمال کاهش هر کدام از آن مصادیق، افزایش می‌یابد. اما در سایر مصادیق (مشمول بر ۱- خودکشی و ۲- فرار از منزل) افزایش معنی‌دار ملاحظه نمی‌شود.

جدول ۶: نتایج آزمون Pseudo R-Square آماره‌های ضریب تعیین پزودو (شامل سه ضریب تعیین کاکس و نل، نیجل کرک و مک‌نادن) بیانگر این که چه میزان از واریانس پارامتر مورد بررسی به واسطه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، با میانجی‌گری اشتغال بعد از دوره‌های آموزشی تبیین می‌شود

خودکشی	فرار از منزل	اعتیاد	بزهکاری و خشونت	طلاق	بیکاری	سختی و دردی	
.065	.030	.062	.076	.042	.204	.101	Cox and Snell
.068	.032	.065	.081	.045	.216	.106	Nagelkerke
.023	.010	.021	.029	.015	.078	.034	McFadden

Link function: Complementary Log-log.

بحث و تفسیر نتایج

در این پژوهش ابتدا نتایج نشان داد ۲۶۲ نفر بعد از آموزش، شاغل بوده یا شاغل شده‌اند. اما تعداد ۱۹۳ نفر بخاطر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شاغل شده بودند. سپس با توجه به این سوال که آیا عوامل مورد بررسی در اشتغال افراد نقش داشته یا خیر؟ نتایج نشان داد ۸۸٫۶ درصد از شاغلین، اشتغال خود را بخاطر آموزش‌های مهارتی فنی و حرفه‌ای اذعان کرده‌اند. آموزش‌های دانشی فنی و حرفه‌ای و مهارت‌ها و توانمندی‌های قبلی فرد (به ترتیب با ۸۲٫۴ درصد و ۸۱٫۳ درصد) در رتبه دوم و سوم قرار دارند. البته این تاثیرگذاری در مورد دستگاه‌های مورد بررسی با هم متفاوت است. با این حال ترتیب تقریباً همین موارد بوده و در رتبه‌های بعدی ایجاد نگرش مثبت به زندگی (با ۷۴٫۱ درصد) و اخلاق و شخصیت مربی به عنوان یک راهنما و مشاور دلسوز (با ۷۳٫۱ درصد) قرار داشتند. ضمن این که در

رتبه‌های پایین تر، عوامل حمایتی از قبیل معرفی (به شرکت، ارگان یا افراد خاص) برای اشتغال (با ۴۴ درصد) و حمایت انجام شده برای اخذ جواز کسب (با ۴۷,۲ درصد) و حمایت بیمه‌ای در زمینه بیمه خویش‌فرمایی / کارفرمایی (با ۵۰,۳ درصد) قرار داشتند. به عبارت دیگر، نقش آموزش‌های دانشی و مهارتی فنی و حرفه‌ای و مربیان آن در اشتغال افراد زیاده‌تر از سایر عوامل بوده است.

از سوی دیگر، در خصوص میزان تاثیر هر عامل در اشتغال افراد، نتایج نشان داد که اخلاق و شخصیت مربی در اشتغال ۱۴۱ نفر (۷۳,۱ درصد) از شاغلین نقش داشت و از این حیث پنجم بود. اما همین عامل از حیث شدت تاثیر در رتبه اول قرار گرفت. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد نیاز است تا مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای در گزینش و انتخاب مربیان به این موضوع توجه ویژه داشته باشد و افرادی که علاقمندی کافی و تجربه و مهارت ارتباطی مناسب دارند را برای آموزش‌ها انتخاب نمایند.

رتبه دوم از این حیث به ایجاد نگرش مثبت به زندگی با آموزش مهارت‌های زندگی اختصاص دارد که در مقوله قبل رتبه چهارم را داشت. در حالی که شدت تاثیرگذاری آن و در رتبه دوم قرار گرفتن آن نشان می‌دهد که سازمان‌های تحت پوشش و اداره کل فنی و حرفه‌ای، وظیفه سنگینی برای احیای افراد از طریق آموزش مهارت‌های زندگی دارند.

نکته مهم دیگر این که آموزش‌های دانشی فنی و حرفه‌ای تعداد بیشتری از شاغلین را تحت تاثیر قرار داده و در رتبه دوم است، اما از حیث شدت تاثیرگذاری، در رتبه ششم قرار دارد. به عبارت دیگر، شدت تاثیرگذاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید افزایش یابد و از این حیث باید مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای در گزینش سطح علمی مربیان و نیز امکانات و تجهیزات آموزش‌ها حساسیت بیشتری داشته باشند.

از سوی دیگر، نتایج نشان داد که از مجموع کل ۵۰۹ نفری که مورد مصاحبه قرار گرفتند، تعداد ۳۷۷ نفر (۷۴,۱ درصد) قبل از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، بیکار بوده و ۱۳۲ نفر (۲۵,۹ درصد) شاغل بوده‌اند. لیکن بعد از طی دوره‌های آموزشی، تعداد شاغلین دو برابر شده و به ۲۶۲ نفر (۵۱,۵ درصد) رسیده است. با بررسی دقیق‌تر مشخص شد، از بین ۲۶۲ نفری (۵۱,۵ درصد) که بعد از طی دوره‌های آموزشی شاغل بوده‌اند، ۱۹۳ نفر (۳۷,۹ درصد) اشتغال خود را به واسطه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌دانند و ۶۹ نفر جزء کسانی بوده‌اند که در بین ۱۳۲ نفر شاغل قبلی قرار داشته‌اند.

ضمن این که به لحاظ میزان شیوع هر کدام از آسیب‌ها در بین مصاحبه‌شوندگان، مشخص شد که ۱- بیکاری، ۲- پرخاشگری و خشونت، ۳- اعتیاد و ۴- طلاق بیشترین شیوع را در بین افراد مصاحبه شده دارند. اما در رتبه‌های آخر ۵- سرقت و دزدی، ۶- خودکشی، ۷- فرار از منزل قرار دارند.

همانطور که ملاحظه شد، شایع‌ترین مصداق، همان بیکاری بود. لذا در بخش دوم بررسی شد که آیا آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تاثیر خاصی بر روی کاهش بیکاری افراد و سایر مصداق آسیب‌های اجتماعی دارد یا خیر؟ نتایج نشان داد که ترتیب میانگین شدت تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر کاهش مصداق آسیب‌های اجتماعی به شرح ذیل بود: ۱- اعتیاد، ۲- پرخاشگری و خشونت، ۳- طلاق، ۴- فرار از منزل، ۵- بیکاری، ۶- خودکشی، ۷- سرقت و دزدی. به عبارت دیگر، شدت تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر روی اعتیاد، پرخاشگری و خشونت و طلاق بیش از سایر مصداق بوده، اما تاثیر آن بر بیکاری بالا نیست.

در یک جمع بندی نتایج نشان داد که بیکاری، پرخاشگری و خشونت، اعتیاد و طلاق با فاصله‌ای فاحش از بقیه مصداق، بیشترین میزان شیوع را در بین مصداق آسیب‌های اجتماعی به خود اختصاص داده بودند و شدت تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر روی مجموعه مصداق آسیب‌های اجتماعی در حد متوسط بود. ضمن این که، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای آثار خوبی بر کاهش آسیب اجتماعی داشته، اما تاثیرگذاری آن از طریق متغیر میانجی اشتغال در حد متوسط به پایین بود.

از طرفی، در این پژوهش سه فرضیه اصلی مطرح شد و مشخص شد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ماهر یا نیمه ماهر شدن کارآموزان موثر بوده است و اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای از لحاظ رسالت واقعی خود که تربیت نیروهای ماهر و نیمه ماهر می‌باشد، موفق عمل کرده است. در ادامه آزمون فرضیات نیز با استفاده از رگرسیون ترتیبی معنی‌دار بودن یا نبودن تاثیر اشتغال بعد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آسیب‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت که مشخص شد: اشتغال بعد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (به عنوان یک متغیر میانجی) بر کاهش ۵ مورد از مصداق ۷ گانه مشتمل بر: ۱- طلاق، ۲- سرقت و دزدی، ۳- پرخاشگری و خشونت، ۴- اعتیاد، ۵- بیکاری موثر است، اما در ۲ مورد دیگر، مشتمل بر ۱- خودکشی و ۲- فرار از منزل، تاثیر اشتغال بعد از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش آن‌ها معنی‌دار نبود.

پیشنهاد‌های کاربردی

بر پایه نگرش سیستمی به جامعه و آسیب‌های اجتماعی، این نتیجه حاصل می‌شود که کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش تاثیرگذاری آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر آن با نقش میانجی اشتغال باید از سبک و سیاقی سیستمی برخوردار باشد. ایجاد یک سیستم مناسب در این زمینه نیازمند تعامل و همکاری همه ارگان‌های ذیربط بوده و اگر در این پژوهش، پیشنهادهایی ارائه می‌شود تا سطح آموزش‌ها ارتقاء یافته و تاثیرگذاری بر کاهش آسیب‌های اجتماعی افزایش یابد، به منزله رفع مسئولیت

از سایر مراجع ذیربط نیست. چرا که در این پژوهش وضعیت سایر ارگانه‌ها بررسی نشده و نمی‌توان نسخه‌ای مناسب برای آن‌ها نوشت. به عبارت دیگر، در ارائه راهکارها ضرورت اقتضا می‌کند که پیشنهادها مطرح شده در راستا و برگرفته از نتایج پژوهش باشند. از سوی دیگر، برگرفته شدن راهکارها از نتایج پژوهش نیز نباید به شکل یک ساده‌انگاری بیش از حد تلقی گردد. یعنی نباید به صرف وجود مشکل و تایید آماری آن، حل مشکل را در دخل و تصرف در آن مشکل تصور کرد. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، محل درد لزوماً محل درمان درد نیست. چرا که ممکن است با اصلاح عامل دیگر بتوان به صورت غیرمستقیم در موضوع آسیب‌های اجتماعی دخل تصرف نموده و میزان آن را کاهش داد.

به همین دلیل در این پژوهش جهت ارائه راهکارهای برگرفته از نتایج پژوهش، به مجموعه نتایج حاصل از توصیف و تحلیل مصاحبه‌ها رجوع شد و با تحلیل نتایج به تفکیک سازمان‌های تحت پوشش موشکافی لازم برای ارائه پیشنهادها کاربردی انجام شد.

۱- از آنجا که تناسب مهارت قبلی افراد برای افزایش کارایی دوره‌های آموزشی مفید می‌باشد، پیشنهاد می‌شود، برنامه‌ریزی منسجمی برای ترغیب افرادی دارای مهارت قبلی و مورد نیاز جامعه به عمل آید و برای آن‌ها دوره‌های ویژه برگزار شود. لذا دسته بندی افراد در دو گروه دارای مهارت و فاقد مهارت و تشخیص نیاز جامعه به مهارت آن‌ها باید انجام شود تا ضریب موفقیت دوره‌ها ارتقاء یابد.

۲- با توجه به نتایج پژوهش تعداد افرادی که گفته‌اند، اخلاق و شخصیت مربی در اشتغال آن‌ها تاثیر داشته در رتبه سوم قرار داشته، اما میزان تاثیرگذاری این عامل را بالاتر از دو مورد قبلی اذعان کرده‌اند. به عبارت دیگر، ضروری است تا در انتخاب و گزینش مربیان که عامل بسیار مهمی در انتقال دانش و مهارت بوده و بار روانی و انگیزشی زیادی به کارآموزان وارد می‌کنند نیز دقت فراوان و ضوابط مدون رعایت شود.

۳- از آنجا که طبق نتایج، بیشترین تأثیر در اشتغال کارآموزان متعلق به آموزش‌های دانشی و مهارتی فنی و حرفه‌ای و مهارت‌ها و توانمندی‌های قبلی فرد می‌باشد، همراستایی توانمندی‌های فرد با دوره‌های آموزشی مورد تاکید است تا بتواند هم‌افزایی لازم به وجود آید و درجه توفیق افراد در اشتغال و کاهش آسیب‌های اجتماعی افزایش یابد.

۴- از آنجا که در بررسی میزان تاثیر عوامل در اشتغال افراد، کمترین تأثیر مربوط به معرفی (به شرکت، ارگان یا افراد خاص) برای اشتغال، حمایت انجام شده برای اخذ جواز کسب، حمایت بیمه‌ای در زمینه بیمه خویش فرمایی/ کارفرمایی و اعطای تسهیلات و دریافت وام‌های خوداشتغالی می‌باشد، پیشنهاد می‌شود در یک بررسی سیستمی، ترتیبی اتخاذ شود تا طی جلساتی با سازمان‌های ذیربط،

علل ضعف موضوع بررسی و راهکارهای لازم برای افزایش سطح اثربخشی هر کدام از عوامل ۴ گانه زیر که اتفاقاً بسیار هم کلیدی می‌باشند، به عمل آید.

۵- بررسی‌ها و مصاحبه‌ها نشان داد که عدم وجود استاندارد در برگزاری دوره‌های آموزشی از قبیل فضای مناسب و تجهیزات مورد نیاز دوره‌ها و لزوم حرکت از تئوری به عمل و ارائه مباحث کاربردی از دغدغه‌های کارآموزان می‌باشد. در این زمینه پیشنهاد می‌شود هیاتی کارشناسی از سوی اداره کل فنی و حرفه‌ای و سازمان‌های درگیر در موضوع به بازدید از نحوه برگزاری کلاس‌ها رفته و یک برنامه مدون برای بازدید از تجهیزات و محل برگزاری دوره‌ها و نحوه تسلط مربیان به مباحث رفتاری و تخصصی تنظیم نمایند و به مدیران مجموعه‌ها گزارش ارائه نمایند و در جهت رفع کاستی‌ها اقدامات لازم به عمل آورند.

۶- با توجه به نتایج آزمون فرضیه شماره ۲ که طی آن نشان داده شد، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کاهش اعتیاد، پرخاشگری و خشونت و طلاق موثر است، علیرغم موفقیت اداره کل فنی و حرفه‌ای در تربیت نیروهای ماهر و نیمه ماهر، نتایج نشان داد بخاطر در هم تنیده بودن موضوع آسیب‌های اجتماعی و وجود نهادهای متعدد دخیل در این مقوله و موثر بودن عوامل کلان و خرد بسیار، اقدامات فنی و حرفه‌ای به تنهایی برای کاهش یا رفع تمام آسیب‌های اجتماعی کافی نبوده و نیازمند اهتمام و همیاری سایر ارگانها در تحقق کامل این موضوع می‌باشد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

۱- با توجه به این که هدف اصلی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تربیت نیروهای ماهر و نیمه ماهر بوده و اشتغال و کاهش آسیب‌های اجتماعی در اولویت دوم قرار دارد، به نظر می‌رسد انجام این پژوهش در حوزه تعاملات بین دستگاهی قرار داشته و از آنجا که در اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، محدودیت‌هایی برای انجام این پروژه پیش آمد که مدت زمان پروژه را افزایش داده و حتی تعداد نمونه‌های آماری زیرمجموعه زندان‌ها را به حداقل رساند، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی دیگر با هماهنگی آن اداره نتایج مورد بررسی قرار گرفته و با نتایج حاصل از این پژوهش مقایسه شود.

۲- یکی از اقدامات مثبتی که برخی از ارگانها از قبیل بهزیستی انجام می‌دهند، آموزش مهارت‌های زندگی است. این عامل در رتبه بندی‌های عوامل تاثیرگذار بر اشتغال هم رتبه بالایی را به خود اختصاص داده و پیشنهاد می‌شود، چنین اقداماتی از سوی کلیه سازمان‌های ذیربط انجام شود و در این راستا برنامه‌ریزی مدون و جامع و آینده نگری وجود داشته باشد تا در پژوهش‌های آتی نیز تاثیرگذاری آن‌ها در کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش امید به زندگی مورد بررسی دقیق تر قرار گیرد.

۳- نکته مهمی که در این پژوهش حاصل شد آن بود که شدت تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر روی اعتیاد، پرخاشگری و خشونت و طلاق بیش از سایر مصادیق بوده، اما تاثیر آن بر بیکاری بالا نیست. به عبارتی در مسائل رفتاری و فردی تاثیرگذاری بیشتری داشته و هر کجا که نقش سازمان‌های دیگر به میان می‌آید، تاثیر آموزش‌ها به حداقل می‌رسد. باید دید آیا می‌توان در خصوص کاهش بیکاری نیز کاری کرد که درجه وابستگی به سازمان‌های دیگر به حداقل برسد؟ به عبارتی آیا می‌توان مهارتی را آموزش داد و شرایطی را فراهم کرد که آموزش‌ها درجه درون‌زایی بیشتری داشته و میزان اتکای فرد به مهارت‌ها و دانش آموخته شده تاثیر بیشتری بر اشتغال و کاهش آسیب اجتماعی وی داشته باشد؟ پیشنهاد می‌شود هم به عنوان یک طرح پژوهشی و هم به عنوان دستور کار کمیسیون‌های تخصصی موجود در اداره کل فنی و حرفه‌ای در این زمینه‌ها اقدامات و بررسی‌های لازم انجام شود.

منابع

۱. بلوردی، زهیر مصطفی و بلوردی، طیبه و غیوری، مهدیه (۱۳۹۲)، تحلیل جامعه‌شناختی رابطه دینداری با سلامت روان (پژوهشی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان)، **جامعه‌شناسی مطالعات جوانان**، شماره ۲۲، صص ۴۲-۵۴.
۲. خنیفر، حسین و حیدری، مهدیه (۱۳۹۰)، نقش و سهم درس تربیت بدنی در کاهش آسیب‌های اجتماعی، **مجله رشد آموزش تربیت بدنی**، شماره ۳۹، صص ۲۱-۳۶.
۳. رحمان‌زاده، سیدعلی (۱۳۸۹)، تدوین مدل انتشار اطلاعات در زمینه انحرافات اجتماعی از طریق رسانه ملی ایران، **مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۱۹، صص ۱۰۷-۱۳۶.
۴. رئیسی، ج. (۱۳۸۲)، جوانان و ناهنجاریهای رفتاری، **فصلنامه علوم اجتماعی علامه طباطبایی**، شماره ۲۱، صص ۲۱-۳۵.
۵. سلیمی، ع و داوری، م (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی کجروی**، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۶. شعبانی سارویی، رمضانعلی (۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی فرقه‌های انحرافی، **فصلنامه معراج اندیشه**، سال دوم، شماره سوم، صص ۳۷-۵۴.
۷. شمس ناتری، محمد ابراهیم و باستانی، امیر (۱۳۸۷)، تاثیر فقر بر آسیب‌های اجتماعی، **پژوهش‌های علوم انسانی**، شماره ۱۷ و ۱۸، صص ۳۴-۴۴.
۸. عبداللهی، محمد (۱۳۸۴)، **طرح مسائل اجتماعی در ایران**، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۹. کوهی، کمال (۱۳۹۲)، جوانان و آسیب‌های اجتماعی (تبیین جامعه‌شناختی انحرافات اخلاقی دانش‌آموزان دبیرستانی در استان آذربایجان شرقی)، **فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی**، سال سوم، شماره سوم (پیاپی ۱۰)، پاییز، صص ۲۵-۳۷.
۱۰. محسنی، رضاعلی (۱۳۸۹)، تحلیل جامعه‌شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب‌های اجتماعی، **پژوهشنامه نظام و امنیت انتظامی**، شماره ۸، صص ۱-۱۴.
۱۱. مرکز آموزش و پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری (۱۳۹۵)، مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی.
۱۲. موسوی، میرنجف و سرور، رحیم و کبیری، افشار و اسماعیل‌زاده، خالد (۱۳۹۳)، تاثیر وام‌های اشتغالزایی بر ممانعت از تکرار جرم و بازگشت مجدد به زندان (مورد مطالعه: استان آذربایجان غربی)، **پژوهشنامه جغرافیای انتظامی**، شماره ۶، صص ۵۷-۹۰.

13. Bessant, Judith, Hil, Richard, Watt, Rob, and Webber, Ruth, (1999), **Thinking the Problem of Youth Violence and Families**, Australian Institute of Criminology.
14. Reid, Sue Titus, (2000), **Crime and Criminology**, U.S.A: McGraw- Hill.